



حامد طبیبی

تصویر به‌یادماندنی یک واکنش انفعالی؛ وزیر خارجه معمر عربستان سعودی، سراسیمه راهی وین شده بود تا مانع رسیدن مارتن مذاکرات هسته‌ای ایران و شش قدرت جهانی به خط پایان شود. او با جان کری، وزیر خارجه وقت ایالات متحده، دیدار کرد تا در آستانه توافق تاریخی میان طرفین، به متحدان غربی خود در مورد وضعیت کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس بعد از برجام هشدار دهد و اگر می‌تواند آخرین تیر ترکش را برای برهم‌زدن توافق هسته‌ای از چله کمان رها کند. او فکر نمی‌کرد بسیار زود از سمت همیشگی خود کنار گذاشته شود و در عزلت، جان خود را از دست بدهد. بعد از او اما هیئت حاکمه سعودی، سطح درگیری‌های خود با ایران را افزایش داد. میراث اوپاما، تداوم نیافت و دونالد ترامپ، با جهت‌گیری روشن علیه ایران، به کاخ سفید رفت. او به‌شدت علاقه‌مند به درگیرشدن اعراب با ایران، به جای دخالت مستقیم ایالات متحده است تا هزینه جنگ را خود علاقه‌مندان به این جنگ بپردازند. مدتی است موضوع ایران و داده‌شده است روز در تیرتِ نخست تعدادی از جراید و وب‌سایت‌های خبری منطقه‌ای و حتی جهانی خودنمایی می‌کنند؛ تحلیل‌گران غربی و شرقی، سطح لحظه‌ای تنش‌ها را بررسی می‌کنند و با تصویری از ولیعهد جوان و همه‌کاره سعودی‌ها، می‌پرسند در سر «محمد» چه می‌گذرد؟ آیا قرار است بعد از فرازوفرودهای شش‌ساله حضور داعش در عراق و سوریه و روشن‌شدن تکلیف جنگ نیابتی این کشور با ایران و نیروهای هم‌پیمان آن، این بار تنش‌ها شکل مستقیم به خود بگیرد؟

کوبیدن سرافعی

تکه‌های پازل به این شکل چیده شده بود؛ بعد از آزادی جالب توجه سه آمریکایی بازداشت‌شده در ایران –که انتقادات زیادی را درباره دلایل آغاز و پایان آن به این صورت در پی داشت- این‌بار آمریکاست که اعلام می‌کند ایران قصد ترور عادل الجبیر، سفیر وقت عربستان سعودی در ایالات متحده را داشته است و واکنش اتهام را به سوی نیروی ویژه قدس – یکی از نیروهای پنج‌گانه سپاه پاسداران- می‌گیرد. بلافاصله پس از ارائه این «کد»، وزیر خارجه و مقامات عربستان در بحبوحه بیماری پادشاه ولیعهد خود، به شدت نسبت به آن واکنش نشان داده و خواستار برخورد جدی با ایران می‌شوند. طرفه اینکه متولیان شبه‌جزیره تاریخی اعراب، دلیلی برای بررسی دیدگاه‌های نفی‌کننده این اتهام هم نمی‌بینند و بلافاصله پس از اعلام نهادهای مربوطه در ایالات متحده، سخنان تهدیدآمیز و «بارگیری» برای مواجهه با آنچه تهدید روزافزون ایران می‌نامند را عملیاتی می‌کنند. دامنه موضوع‌گیری‌ها هم آن‌طور که پیش‌بینی می‌شد، طیف گسترده‌ای را دربر گرفت. برخی از تهدید نظامی سخن می‌گفتند، جان مک‌کین جمهوری‌خواه، باراک اوپاما رقیب دموکرات خود در انتخابات ۲۰۰۸ ریاست‌جمهوری آمریکا را به اهمال در برخورد با ایران و عدم حمایت از معترضان داخلی متهم کرد. برخی کشورهای عربی و اتحادیه‌های آنها، خود را وارد ماجرا کردند، اتحادیه اروپا هم مانند همیشه دست‌به‌کار شد و در کنار متحد آن سوی آتلانتیک خود یعنی ایالات متحده، تحریم‌های تازه علیه ایران و مقامات آن وضع کرد. طرح دعوی در شورای امنیت هم یکی دیگر از ابزارهای ذی‌نفعان این موضوع است که کارشناسان، خواستار توجه ایران به تحرکات این حوزه شده‌اند. دولت دیوید کامرون در بریتانیا، دارایی پنج ایرانی را که نام دو متهم ترور سفیر عربستان هم در آنها دیده می‌شود، مسدود می‌کند، ایالات متحده و رسانه‌ها مطرح جهان، موج تحلیل‌ها-پیرامون دلایل ترور سفیر عربستان را روی آنتن می‌فرستند و در خروجی خبرگزاری‌ها قرار می‌دهند و محاکمه این- دو ایرانی که به گفته مقامات ایالات متحده، به قصد خود اعتراف کرده‌اند، آغاز می‌شود.

در سوی مقابل، جمهوری اسلامی چه از سوی کانال‌های دیپلماتیک و چه در سخنرانی‌های مسئولان عالی‌رتبه نظام، به شدت این غائله را رد کرده و آن را یک «سناریوی ناشیانه هالیوودی» می‌خواند. تا اینجا یی کار همه‌چیز برای طرف‌های درگیر با ایران، خوب پیش رفته است؛ عربستان و ایالات متحده -در شرایطی که درگیر مسائل جدی داخلی خود هستند- در حوزه سیاست خارجی بار دیگر فضای تازه‌ای را علیه ایران دامن زده‌اند که بسیاری از مدیران شناخته‌شده سابق نظام، آن را متفاوت از سایر اقدامات تنش‌آمیز سال‌های اخیر ارزیابی کرده‌اند و به‌عنوان نمونه، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی آن را یک توطنه خطرناک نامید. در همان روزها ماجرای «ارباب سیار» تقریباً از سوی همه کارشناسان مستقل، مسئله‌ای «فراموشعی» ارزیابی شد که فایراخ از میزان صحت و سقم آن، باید بر زوایای پنهان و اهداف مدنظر طرف‌های درگیرشده، تمرکز و ماهیت آن را «لایه‌برداری» کرد. اسناد ویکی‌لیکس در آن زمان، یک نام آشنا را نشان می‌داد؛ عادل الجبیر که جانشین سفیر سابق بوده و چهره متنفذ سیاست عربستان یعنی «شاهزاده بدربن سلطان» در ایالات متحده شده بود. سال ۲۰۰۸، حامل پیام عبدالله بن عبدالعزيز پادشاه عربستان برای مسئولان کاخ سفید بود که در آن، حمله

مشهور «باید سرافعی قطع شود»، بازتاب گسترده‌ای یافت. منظور آنها از سر افعی، ایران بود و این به معنای علاقه‌مندی عربستان به دخالت دوباره نظامی ایالات متحده در خاورمیانه این بار برای ازبین‌بردن نظام حاکم در ایران بود. درعین‌حال این مسئله چه با درخواست عربستان و چه پیش از آن، از سوی مقامات ایران هم تأیید شد و حتی محسن رضایی یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۹ در ایران، در منظره با محمود احمدی‌نژاد به آن اشاره و او را به غفلت از این امر متهم کرد که به گفته این فرمانده سابق سپاه، با تدابیر صورت‌گرفته و دستور آماده‌باش و رزمایش به نیروهای مسلح ایران جهت دفع حملات قریب‌الوقوع ایالات متحده همراه شد. طرفه اینکه نه آمریکا و نه سعودی‌ها این اسناد را تکذیب نکردند و در نهایت گستاخی، خواستار حفاظت بیشتر ایالات متحده از اسناد محرمانه شدند. همراه این سند، سند دیگری هم در ویکی‌لیکس افشا شد که مقامات سعودی و چند کشور عربی هم‌پیمان آمریکا در منطقه، از اوپاما خواسته بودند مانع پیروزی یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ در ایران شود؛ اما نه تکذیب‌نشدن این اقدامات سؤال‌برانگیز اعراب، نه موضع‌گیری‌های پیاپی سعود الفصیل، وزیر خارجه وقت سعودی، درباره ناکارآمدبودن تحریم‌ها و لزوم در پیش گرفته‌شدن اقدامات «عاجل» بر ضد ایران، نه واکنش‌های گاه‌وبیگاه شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان درباره برنامه هسته‌ای ایران هیچ‌کدام نتوانست سکنداران دیپلماسی در دولت‌های نهم و دهم را به تغییر رویکرد برای خروج از «کوشه رنگ» و تغییر تاکتیک، مجاب کند. سیاست خارجی که منتقدان آن فقط اصلاح‌طلبان و نخبگان دانشگاهی نیستند و موازی‌کاری و ناپختگی‌های آن، انتقاد مسئولان عالی‌رتبه و راست سنتی را هم در پی داشته است. آنها خود در دوران جنگ و حتی دولت سازندگی، عهده‌دار رفق‌نویس امور سیاست خارجی بوده‌اند و با وجود جنگ و دوران تحریم، اگرچه در پاره‌ای موارد اشتباهاتی را به ثبت رساندند، اما کارشناسان، عملکرد آنها را غیرقابل مقایسه با دوران احمدی‌نژاد می‌دانند.

کارشناسان سیاست خارجی
قدرت‌گرفتن داخلی، لزوم توجه به روندهای دموکراتیک در داخل ایران برای افزایش چانه‌زنی غرب
برای انفعال اعراب و همچنین افزایش ضریب وحدت ملی و استفاده از همه ظرفیت‌های اثرگذار بر روابط منطقه‌ای را مجموعه‌ای از راهبردها در این حوزه می‌ماند

ماجرا دامنه‌داراست

دیپلماسی ایران بعد از انقلاب، ادوار مختلفی را پشت‌سر گذاشته است. پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به روابط شاه با دیکتاتوره‌ای عرب، موج نخست موضع‌گیری‌ها علیه نظام تازه بر سر کار آمده در ایران را در پی داشت؛ البته رفتارهای جاهلانه اعراب، پیش از انقلاب نیز سابقه داشته و در پاره‌ای موارد، تیرگی در روابط را در پی داشته است؛ برای نمونه ابوطالب بزدی، جوانی ایرانی بود که در سال ۱۳۲۲ در حین انجام طواف در مسجدالحرام دچار حالت تهوع شده و به‌جای انتقال به بیمارستان و آغاز درمان، مأموران سعودی او را دستگیر کردند و به اتهام قصد آلوده‌کردن خانه خدا، در دادگاه محاکمه و گردن زدند. این اقدام دولت عربستان که بی‌شابهت به رفتار عصر جاهلیت نبود، واکنش‌هایی جدی در ایران، عراق و سایر بلاد اسلامی به همراه داشت و موجب تعلیق روابط دیپلماتیک ایران و عربستان و امتناع ایران از فرستادن حجاج برای مدت چهار سال شد. در این میان، پس از پیروزی انقلاب، ماهیت یک نظام انقلابی در میان کشورهای عربی که سال‌ها بود رنگ تغییر و خیزش مردمی را به خود ندیده بودند، شعارهای تغییر‌خواهانه در سیاست خارجی که نفی استعمار و پادشاهی را در متن خود داشت، تغییرات در دستگاه دیپلماسی و روی‌کارآمدن چهره‌های جوانی که اگرچه دارای نبوغ و تحصیلات عالی به دانشگاه‌های معتبر بودند، اما از تجربه «حین خدمت» که اصلی‌ترین داشته یک دیپلمات نامیده می‌شود برخوردار نبودند، همگی باعث ایجاد تفاوت‌هایی با فضای سیاست خارجی پیش از انقلاب شد که البته در آن مقطع هم ژاندرمی ایران در منطقه با حمایت آمریکا، حسادت عربی را تحریک می‌کرد. غرب و حتی شوروی نیز نسبت به نظام نوپای جمهوری اسلامی، احساس مثبّتی نداشتند. شعارهای نفی‌کننده شرق و غرب، هر دو اردوگاه اداره‌کننده جهان را به چالش کشید. اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان ایرانی و قطع رابطه با این کشور، آغاز جنگ تحمیلی و زرنگی دیکتاتور سابق عراق در تبدیل آن به یک منازعه تمام‌عیار عربی– عجمی، همگی سطح تقابل را افزایش می‌داد، اما ویژگی‌های جهان دوقطبی نیز فضا را با امروز متفاوت کرده بود. ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی هرکدام از ترس غلظیدن یک کشور دارای موقعیت مناسب به دامن دیگری، در مقابل ایران با احتیاط عمل می‌کردند. به‌طورکلی از نظر تاریخی می‌توان روابط ایران و عربستان را در چهار دوره قبل از انقلاب اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی، از پایان جنگ تحمیلی تا حوادث ۱۱ سپتامبر و از ۱۱ سپتامبر تاکنون

سیاست



سعودی‌ها از سیر تاریخی تنش‌زایی با ایران، درس می‌گیرند؟

خیز دوباره برای کوبیدن سرافعی

تقسیم کرد. شرایط جهانی، منطقه‌ای و عوامل تأثیرگذار در خود کشورها در حوزه سیاسی و اقتصادی، به‌عنوان مؤلفه‌های اثرگذار در این روابط ارزیابی شده‌اند. همین عوامل سبب شده گاهی، رفتار سالمات‌جویانه و رقابت‌ساز در کسب رهبری منطقه‌ای پیش از انقلاب را رفتارهای بهره‌رزنه در سال‌های پس از انقلاب که نقطه اوج آن در سال ۱۳۶۶ و کشتار حجاج ایرانی خود را نشان داد، متغیر باشد. روابط مسالمت‌آمیز روبه‌گسترش در دوران سازندگی و تعامل همسویی منطقه‌ای در دولت اصلاحات به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و موضع‌گیری دولت وقت ایران در قبال این واقعه تروررستی، این باور را در میان ناظران ایجاد کرده که نوع سیاست خارجی، جایگاه ایران در جهان و همچنین فضای سیاسی داخل ایران، به‌شدت از سوی سران سعودی در حال رشدشدن است و عقب‌نشینی یا تهاجم خود را بر مبنای آن تنظیم می‌کنند. سقوط صدام در پس لشکرکشی آمریکا به عراق در دوران اصلاحات، نمونه‌ای از همسویی سیاست خارجی دو کشور بود و مواضع دو کشور خروج اسرائیل از لبنان و نقش‌آفرینی حزب‌الله، جنگ ۳۳‌روزه ۲۲‌روزه در لبنان و فلسطین، حوادث بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران و موج ناگهانی بهار عربی، از جمله بزنگاه‌های دیگر روابط دو کشور قلمداد شده است. پدیده داعش و ماجرای ارتباط میان این گروه‌های تندرو با علمای وهابی و حتی دولت سعودی، از جمله فرصل‌های تنش میان عربستان با جبهه‌های نزدیک به حمله است. به برخی آن را دست‌پخت شاهزاده جوان هیئت حاکمه جدید سعودی‌ها می‌دانند، تنش تازه در این محیط به شمار می‌رود. برخی مقامات عربستان سعودی از افزایش نفوذ ایران در منطقه نگران هستند و نفوذ تهران را خطری برای قدرت پادشاهی اعراب در منطقه می‌دانند که عموماً به‌دلیل تأثیرپذیری از عقاید وهابی و مذهبی ارزیابی شده است.

دیپلماسی برای همه

دوران سازندگی و اصلاحات، تلاش دو کشور برای بازسازی روابط خوانده می‌شود؛ دورانی که به‌ویژه در سال‌های ۷۶ تا ۸۴ و با درپیش گرفته‌شدن سیاست تنش‌زدایی و گفتمان جهانی گفت‌وگوی تمدن‌ها ازسوی رئیس‌جمهوری دوران اصلاحات، شرایط دیپلماسی ایران، تفاوتی جدی با ادوار پیش از آن دارد؛ اتفاقی که از سال ۸۴ تا ۹۲، به‌شکل قبل ادامه یافت. تصور گذشته این بود که باتوجه به مساحت کم، جمعیت ناچیز و مؤلفه‌ها تاریخی، اعراب هیچ‌گاه امکان عرض‌اندام در برابر مردم ایران را نداشته‌اند، اما در ادواری که دیپلماسی ایران از اوج فاصله می‌گیرد، آنها نیز از این خلا برای اعمال فشار بر ایران استفاده می‌کنند. موضع‌گیری‌های چند سال اخیر اعراب، به‌ویژه عربستان، امارات و بحرین ریشه در این اتفاق دارد. بااین‌حال، جنگ سرد میان دو کشور در ادوار مختلف تداوم داشته است. ایران درجابه‌گاه بزرگ‌ترین کشور منطقه، با جمعیت ۸۰ میلیونی مسلمان خود، ذخایر استراتژیک، موقعیت ژئوپلیتیک و پیشینه تمدنی، در معادلات منطقه‌ای و جهانی قابل نادیده‌گرفتن نیست و عربستان، خود را دروازه اعراب و پذیرنده مسلمانان جهان در ایام حج می‌داند و نفت و روابط حسنه با غرب را دلیل برتری جویی می‌ندارد. کارشناسان سیاست خارجی، قدرت‌گرفتن داخلی، لزوم توجه به روندهای دموکراتیک در داخل کشور، برای افزایش چانه‌زنی غرب برای انفعال اعراب و همچنین افزایش ضریب وحدت ملی و استفاده از همه ظرفیت‌های اثرگذار بر روابط منطقه‌ای را مجموعه‌ای از راهبردها در این حوزه می‌دانند. شاید به‌همین‌دلیل است که استفاده از ظرفیت‌های چهره‌هایی چون مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و رئیس دولت اصلاحات که حتی پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری خود، چهره‌هایی اثرگذار بر اعراب، به‌ویژه عربستان شناخته می‌شدند، بارها ازسوی صاحب‌نظران مطرح خود رسانه‌ها شده است. رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت‌نظام، در پیامی که برای درگذشت ولیعهد عربستان، بعد از ماجرای ادعای طرح ترور سفیر عربستان مطرح شد، آورده بود: «امیدوارم با تقویت وحدت اسلامی در میان مسلمانان، توطنه ایجاد تفرقه بین کشورهای مسلمان، به‌ویژه دو کشور ایران و عربستان خنثی شود». روند تحولات منطقه و تغییر هیئت حاکمه سعودی اما روابط دو کشور را به یکی از تعیین‌کننده‌ترین مقاطع خود رسانده است که حتی کشورهای منطقه و غرب را نگران افزایش سطح تنش‌ها کرده است.

روزشمار

۱-۱۳۰۷: روابط ایران و عربستان بعد از تأسیس حکومت سعودی برقرار شد، ولی سفارت ایران در ریاض در ۱۳۰۹ دایر شد. مناسبات دو کشور به‌دلیل تفاوت نگرش ایدئولوژیک دو دولت، چندان مستحکم نبود. سفارت ایران در عربستان صاحب‌نظران ایدئودینه ایران در مصر اداره می‌شد.
۲-۱۳۱۱: امیرفصیل، ولیعهد وقت عربستان، در رأس هیئتی از مقامات بلندپایه این کشور برای دیداری هشت‌روزه وارد تهران شد و مورد استقبال رضاشاه قرار گرفت. ششمین سال پادشاهی او، مقارن با چهارمین سال آغاز روابط سیاسی رسمی ریاض و تهران بوده است.
۳-۱۳۲۲: درگیری‌های خونی بین شیعیان و مقامات عربستان و اتباع ایرانی و سعودی درگرفت. همچنین یک حاجی ایرانی به‌نام «ابوطالب یزدی» در ملاعام، گردن زده شد. این شرایط روابط دو کشور را تیره کرد.

ادامه در صفحه ۱۱

دریچه

جنگ سرد ایران و عربستان

رامین ندیمی*

تاریخچه روابط ایران و عربستان سعودی به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به استثنای دوره‌های کوتاهی، کم‌وبیش آکنده از دشمنی و خصومت بوده است. این دو کشور مهم منطقه خلیج‌فارس همواره در حال تجربه رقابت و رویارویی پنهان و آشکار بوده‌اند که بربره‌هایی به برخورد نیز انجامیده است. قبلاً تصور می‌شد جنگ لفظی شدید دولتمردان ریاض و تهران بر سر نحوه برخورد دولت بحرین با تظاهرات اعتراضی اکثریت شیعه این کشور و اعتراض ایران به اعزام نیروهای نظامی عربستان به بحرین برای سرکوبی مخالفان یکی از تیره‌ترین صفحات دفتر روابط ریاض – تهران را باز کرده باشد، اما به‌طور مسلم، این دفتر پیش و پس از آن نیز شاهد صفحات سیاه‌تری بود و هست که در ماجرای عراق و سوریه و تنش‌های ماه‌های اخیر، مشاهده می‌شود. پس از شروع جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰)، عربستان سعودی جانب عراق را گرفت. در سال ۱۹۸۱ کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس پیمان استراتژیکی موسوم به «شورای همکاری خلیج فارس» را تشکیل دادند که هدف از تأسیس آن ایجاد توازن منطقه‌ای در خلیج‌فارس و مقابله با ایران بود. با شدت‌گرفتن جنگ ایران و عراق و آغاز حملات دو طرف علیه کشتی‌های نفت‌کش در خلیج فارس، چند تاکر حامل نفت عربستان نیز آسیب دیدند. در ژوئن سال ۱۹۸۴ نیروهای نظامی ایرانی و سعودی نخستین برخورد عمده خود را تجربه کردند که در آن دو فروند جنگنده F-15 سعودی دو فروند جنگنده بمب‌افکن F-4 ایرانی را که ادعا شده بود قصد حمله به کشتی‌های حامل نفت عربستان را داشتند، سرنگون کردند. اما شاید شدیدترین برخورباترینین برخورد میان دو کشور در ۳۱ جولای ۱۹۸۷ (۹ مرداد ۱۳۶۶) و آن‌گاه رخ داد که نیروهای امنیتی و پلیس ضدشورش سعودی تظاهرات برانت از مشرکین حجاج ایرانی در مکه را به خاک و خون کشیدند و موجب مرگ ۲۷۵ ایرانی و مجروح‌شدن ۳۰۳ نفر دیگر شدند.

این واقعه با حمله تظاهرکنندگان خشمگین ایرانی به سفارت عربستان در تهران پاسخ گرفت که آن نیز منجر به مرگ یک دیپلمات سعودی، تخریب سفارت و قطع روابط دو کشور شد. عربستان سعودی همواره از دنبال‌روی شیعیان این کشور از ایران وحشت داشته است. شیعیان عربستان در دو استان شرقی «احصا» و «قطیف» سکونت دارند که به مراکز صادرات نفت این کشور در خلیج‌فارس نزدیک است. ایران نیز به نوبه خود عربستان سعودی را به حمایت ایدئولوژیک از گروه‌های مسلح سلفی و اشاعه وهابی‌گری متهم کرده است. افزون بر این، دو کشور با آغاز حمله نظامی ایالات متحده به عراق و سرنگونی صدام حسین از قدرت در سال ۲۰۰۳، بین‌النهرین را عرصه جدیدی برای رقابت و زورآزمایی خود یافتند. عربستان سعودی و ایران هر کدام جناح‌های خود را در مقابل عربستان نیز قرار دادند.

صحنه مهم دیگر رویارویی نیابتی ریاض و تهران، کشور کوچک ولی حساس لبنان بود که این روزها هم در حال تکرار است. پس از ترور رفیق حریری، دو بازیگر اصلی رقابت در صحنه سیاست لبنان یعنی جنبش مقاومت حزب‌الله و جناح ۱۴ مارس هر کدام مورد حمایت ایران و عربستان قرار داشتند اما عربستان میدان رقابت را به ایران باخت. در آن مقطع، تثبیت دولت نوری المالکی در عراق و روی‌کارآمدن دولت نجیب میقاتی در لبنان، دو صحنه ناکامی عربستان بود.

ادامه در صفحه ۱۱

نگاه

صبح‌زنگنه کارشناس حوزه عربی با اشاره به تنش اخیر:

رسانه‌های ایران و عربستان، تنش‌زدایی را دنبال کنند

بررسی علل تنش در روابط ایران و عربستان، حوزه‌های متعدد اختلاف را تداعی می‌کند. صبح زنگنه از کارشناسان شناخته‌شده کشورهای عربی است. نماینده سابق ایران در سازمان همکاری اسلامی در جده، به سؤالات «شرق» درباره تنش اخیر در روابط ایران و عربستان پاسخ داد.

✚ چرا عربستان سعودی واکنش‌های تندى در قبال ایران درباره مسائل منطقه دارد؟

به نظر می‌رسد عربستان سعودی احساس می‌کند ممکن است صحنه را در مقابل موج فزاینده تحولات در خاورمیانه ببازد و ایران از او در منطقه جلو بزند. بنابراین به‌محض طرح موضوع از جانب آمریکا، بنا بر توصیه آمریکایی‌ها، به افزایش سطح تنش‌ها با ایران اقدام کرده است. این نوع اقدامات حکایت از نوعی همکاری مقدماتی بین سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی دارد.

✚ با توجه به رقابت بین ایران و عربستان در مسائل مختلفی مانند سوریه، بحرین، عراق، لبنان و حتی فلسطین، آیا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که منافع ایران و عربستان در منطقه در تضاد یا یکدیگر است؟
من فکر می‌کنم منافع دو کشور می‌تواند درصورتی‌که هماهنگی و همکاری بین آنها وجود داشته باشد، بیشتر تأمین شود؛ اما آنچه در تعارض قرار دارد، سیاست‌های عربستان است. چیزی که درباره عراق و سوریه اتفاق افتاد، این بود که عربستان سعودی به‌جای اینکه به اراده و خواست مردم عراق و سوریه احترام بگذارد، موضع و سیاست‌های نادرستی را اتخاذ کرد و به اراده و خواست مردم این کشورها بی‌اعتنا بود. درباره لبنان نیز همین‌طور؛ ایران و عربستان هر دو در کشور لبنان نفوذ داشته و ارتباطات گسترده‌ای را با بخش‌های مختلف جامعه لبنان دارند؛ ولی ارزیابی‌های عربستان در لبنان با اشتباه همراه بوده است و همچنین در مسئله بحرین نیز عربستان اشتباهات زیادی را انجام داده است. طبیعتاً سیاست احترام‌نگذاشتن به اراده ملت‌ها می‌تواند نتایج منفی زیادی را به‌بار بیاورد و پیامدهای نادرستی را برای عربستان ایجاد کند.

✚ تحولات منطقه چه تأثیری در روابط ایران و عربستان گذاشته است؟
همکاری و مراوده فکری با مطالعاتی‌ای بین دو کشور وجود ندارد و روابط دیپلماتیک نیز بعد از ماجرای حمله به سفارت عربستان قطع شده است.

✚ نبود همکاری که گفتید، آیا می‌تواند از ضعف دیپلماسی ما باشد؟ یا این‌گونه عنوان کرد که در سیاست خارجی به منطقه و به‌ویژه عربستان کم توجه کرده‌ایم؟ چرا مثلاً در زمان آقای هاشمی اینن اتفاقات نمی‌افتاد؟

این موضوع جوانب مختلفی دارد؛ بنابراین نمی‌شود به یک سر رابطه توجه کرد و به سر دیگر بی‌توجه بود. هیئت حاکمه جدید عربستان شبیه هیچ‌کدام از هیئت حاکمه‌های قبلی نیست، ضمن اینکه شرایط منطقه و جهان هم کاملاً متفاوت شده است.

✚ تنش‌های اخیر بین دو کشور چه تأثیر تبلیغاتی‌ای در افکار عمومی مردم منطقه به وجود آورده است یا در آینده به وجود خواهد آورد؟

افزایش تنش روابط بین دو کشور، به‌ویژه در سطح رسانه‌ها، طبیعتاً علامتی منفی را به مردم کشورهای مختلف همسایه نشان می‌هد؛ بنابراین در عکس‌العمل‌ها و سیاست‌های کشورهای همسایه، به‌تدریج دیده خواهد شد که هرکدام از ملت‌ها و دولت‌ها از موضع خاصی حمایت خواهند کرد و علیه موضع مخالف آن، ممکن است مواضعی منفی اتخاذ کنند.

✚ عربستان در جهان عرب و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نفوذ زیادی دارد و آمریکا نیز از این مسئله نهایت استفاده را می‌کند، کشور ما چه راهکار دیپلماتیکی را پیش‌رو دارد تا بتواند از بحران‌های به‌وجودآمده، به‌ویژه بحران اخیر، بیرون بیاید؟

تنها راه‌حل این نوع مشکلات، صراحت در گفت‌وگو است. ابتدا باید گفت‌وگویی باشد و در آن گفت‌وگو صراحت وجود داشته باشد تا بتوان به تمام مشکلات رسیدگی کرد.

✚ با توجه به مشکلاتی که هست، بسترهای گفت‌وگو چگونه باید به وجود بیاید؟

به نظر می‌آید یکی از اقداماتی که می‌تواند اعتمادسازی را آغاز کند، خروج نیروهای عربستان سعودی از یمن باشد. این‌گونه اقدامات سابقه خوبی در منطقه نداشته و ن‌دازد و در ذهن و حافظه مردم اثر منفی می‌گذارد و مردم منطقه را یاد خاطره‌هایی مانند ورود نیروهای شوروی به افغانستان یا اقداماتی مشابه ورود نیروهای صدام به کویت و ورود نیروهای مصر در یمن می‌اندازد. هیچ‌کدام از این اقدامات نتیجه مثبّتی به جای نگذاشته است و همواره از سوی مردم و ملت‌ها به‌عنوان اقدامی منفی تلقی می‌شود. عربستان نیز باید این روند را یک بار دیگر بررسی کند و ورود خودش را در جنگ بین اعراب و بحرین را این نوع اقدامات و سوءاقدام بسجند و ببیند اقداماتش چقدر اشتباه بوده است و برای درست‌کردن آن اقدام کند. **✚ این قدمی است که عربستان سعودی می‌تواند بردارد و باید هم بردارد، ایران در مقابل باید چه کاری را انجام بدهد یا به عبارت دیگر، عربستان چه انتظاری از ایران دارد؟**

اعلام آمادگی برای گفت‌وگویی صریح و سالم و بر پایه‌هایی محکم می‌تواند راه‌حل مناسبی تلقی شود و با حضور چنین اندیشه‌ای می‌توان تا حدودی از نگرانی‌های طرفین نسبت به یکدیگر کاست و مسائل منطقه و حتی مسائل اقتصادی و روابط قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را ارزیابی کرد و تمام موارد بحرانی و دچار تنش بین دو کشور در منطقه را به بحث و ارزیابی گذاشت و به نتیجه مطلوبی دست پیدا کرد.

✚ ببینید، اینکه ما از عربستان توقع داریم برخورد را از یمن خارج کند یا از داعش حمایت نکند، در مقابل عربستان نیز انتظاراتی از ایران دارد و در واقع امتیازاتی می‌خواهد، آیا خروج نیروهای عربستان از بحرین پیش‌شرط گفت‌وگو است؟

یک س سری از بحث‌ها شبهه‌برانگیز است و یک سری بحث‌ها صریح و روشن است؛ ورود نیروهای عربستان به یمن، تخلفی آشکار از روابط منطقه‌ای و ام‌تطالبی که عربستان مطرح می‌کند، در حد سیاست‌های است که ناشی از تصورات، تبلیغات و خبرهایی است که می‌توان آنها را رد کرد؛ بنابراین ما نباید بین این‌س دو حالت خلط کنیم. چیزی که به صورت صریح وجود دارد، باید اصلاح بشود و رسانه‌ها نسبت به دولت‌های هم‌دیگر سیاست تنش‌زدایی را پیگیری کنند و بر مبنای این دو اقدام، می‌شود بحث و گفت‌وگو را به انجام رساند.

✚ آیا مسائل دوران احمدی‌نژاد در ذهن سعودی‌ها تأثیری منفی گذاشته است؟

به نظر می‌آید همه اینها را می‌توان بحث و رسیدگی کرد که چه کسی شروع کرده و چه کسی دنبال کرده و چه کسی افزایش داده است؛ اما با کاهش تنش در درجه اول در سطح رسانه‌ها این قدم را می‌توان برداشت. **✚ آینده روابط ایران و عربستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
دو کشور و ملت ایران و عربستان همیشه در تاریخ بوده‌اند و خواهند بود؛ بنابراین باید علائقت به خرج داد و نحوه معاشرت و زندگی با هم را به بحث و گفت‌وگو گذاشت.